

ادامه از صفحه ۵

سقوط ۱۲۰میلیارددلاری درآمد نفتی عربستان

همچنین براساس این گزارش، درآمد‌های ایران نیز از صادرات نفت‌خام در سال ۲۰۱۵ میلادی به ۲۷ میلیارد و ۳۰۸ میلیون دلار رسید که نسبت به درآمد ۵۳ میلیارد و ۶۵۲ هزار دلاری سال ۲۰۱۴، حدود ۵۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. میانگین تولید روزانه نفت ایران نیز از سه‌میلیون و ۶۶۱ هزار بشکه در سال ۲۰۱۴ میلادی، به سه‌میلیون و ۱۵۱ هزار بشکه در سال ۲۰۱۵ میلادی کاهش یافت.

احتمال اعتصاب در صنعت نفت و گاز نروژ
به گزارش خبرگزاری رویترز، اتحادیه‌های کارگری نروژ اعلام کردند ۷۵۵ کارگر صنعت نفت و گاز این کشور ممکن است در واکنش به پایین‌بودن دستمزدها دست به اعتصاب بزنند. این گروه اعلام کردند اگر تا پایان هفته جاری توافقی درباره سطح دستمزدها به دست نیاید، از روز شنبه (۱۲ خرداد) دست به اعتصاب خواهند زد. در تلاش برای پیشگیری از اختلال در تولید نفت نروژ، کارگران و کارفرمایان نفتی نزد میانجی دولتی این کشور، به گفت‌وگو نشسته‌اند. بنا بر این گزارش، تولید روزانه نفت نروژ اکنون حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه و تولید روزانه گاز آن ۲۸۰ میلیون مترمکعب است و اعتصابات کارگری می‌تواند ۱۸ درصد از تولید نفت و حدود ۱۷ درصد از تولید گاز نروژ را مختل کند.

افزایش ذخایر و چاه‌های فعال نفت ایران
براساس گزارش بولتن آماري سالانه اوپک (منتشرشده در ژوئن ۲۰۱۶)، در سال گذشته میلادی، تعداد چاه‌های فعال نفت در ایران نسبت به سال ۲۰۱۴، ۵۸ مورد رشد برخوردار شده است. براساس این گزارش، مجموع چاه‌های نفت در حال تولید ایران در سال ۲۰۱۵ میلادی به دوهزار و ۳۳۹ چاه رسید. اما تعداد چاه‌های نفت تکمیل‌شده ایران آن ۲۸۸ مورد رسید که ۱۸ مورد نسبت به سال ۲۰۱۴ میلادی کمتر است. همچنین براساس ارقام بولتن یادشده، ذخایر اثبات‌شده نفت‌خام ایران در پایان سال ۲۰۱۵ میلادی، با ۶۰۰ درصد رشد نسبت به سال ۲۰۱۴، به ۱۵۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون بشکه رسید.

قیمت گاز طبیعی
به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت اسپات هنری‌هاب (Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به اول جولای، به سطح دو دلار و ۷۹ سنت به ازای هرملیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) مبادله شده که نسبت به هفته قبل پنج سنت افزایش نشان می‌دهد که بیشترین میزان در سال جاری میلادی است. بازار گاز هم‌اکنون به نیمه فصل تزریق گاز رسیده است و مازاد عرضه این حامل انرژی به ذخیره‌سازی‌های زیرزمینی منتقل می‌شود. حرارت بالای دما در برخی نقاط، مصرف گاز در یورگاکها را افزایش داده و ازاینرو میزان ذخیره و تزریق گاز کند شده است.

کشاورزی ارگانیک وامنیت غذایی

● با توجه به بهبود امنیت غذایی جهان برآورد در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ حدود ۸۰۵ میلیون نفر دچار سوءتغذیه بوده‌اند که نسبت به دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ در حدود ۴٫۴ درصد کاهش داشته یعنی ۸۴۲ میلیون نفر ۸۰۵ میلیون نفر رسیده است. از این ۸۰۵ میلیون نفر در حدود ۷۹۱ میلیون نفر در کشورهای توسعه‌یافته هستند. براساس گزارش فائو، از اوایل دهه ۱۹۹۰ تعداد زیادی از مردم در کشورهای درحال‌توسعه مبتلا به سوءتغذیه بوده‌اند که در حدود ۲۰۰ میلیون نفر برآورد شده که حدود یک نفر از هشت نفر در این مناطق دچار سوءتغذیه مزمن باقی می‌مانند. این آمار این نکته را گوشزد می‌کند که برای بهبود امنیت غذایی و سلامت، نیاز به افزایش تولید مواد غذایی باکیفیت و سالم است. دراین‌میان کشاورزی ارگانیک می‌تواند به شاخص دسترسی فیزیکی به غذا و غذای سالم و باکیفیت کمک کند. کشاورزی ارگانیک به امنیت غذایی به دالیل زیر کمک می‌کند:
۱) افزایش بازده در مناطق با نهاده‌های پایین.
۲) حفاظت از تنوع زیستی و منابع طبیعی در مزرعه و در مناطق اطراف آن
۳) افزایش درآمد یا کاهش هزینه
۴) تولید مواد غذایی سالم و متنوع
۵) پایداری تولید در بلندمدت.
با توجه به این‌س منافع، کشاورزی ارگانیک باید بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست کشاورزی با هدف تأمین امنیت غذایی باشد. در اغلب کشورهای جهان به کشاورزی ارگانیک برای تأمین غذای داخلی و حتی کشورهای جهان (صنایع‌کشنده) توجه دارند. به‌عنوان‌نمونه کشور چین با بیشترین جمعیت جهان در حدود یک‌میلیارد و ۳۰۳ میلیون نفر برای تأمین غذای مردم کشور خود و حتی صادرات آن به کشاورزی ارگانیک روی آورده است. در ایالت وائزای در استان گیانگشی‌یو یکی از موفق‌ترین کشاورزی‌های ارگانیک بزرگ‌مقیاس در چین وجود دارد. کشاورزی ارگانیک در کل این ایالت به صورت آزمایشی در سال ۱۹۹۹ آغاز شد. دراین‌میان نه‌تنها دولت محلی تمام نیروی خود را برای شروع کار بسیج کرد بلکه در کنار آن به آموزش کشاورزان، گسترش فناوری‌های جدید و پشتیبانی تولید و بازاریابی نیز پرداخت. در پایان سال ۲۰۱۴، در ایالت وائزای در حدود پنج‌هزارو ۴۰۰ هکتار زمین به صورت ارگانیک کشت شده و محصول ارگانیک برنج، زنجبیل، سیب‌وا و توت‌فرنگی و غیره، بیازچه، سبب‌زمینی شیرین و سایر محصولات زراعی نقدی گواهی شده و هم در بازار داخلی استفاده و هم صادر می‌شود. امروزه کشاورزی ارگانیک راهبرد اصلی توسعه ایالت وائزای است که در حدود ۱۷ هزار خانوار که در ۴۸ روستا در ۱۱ شهر توزیع شده‌اند، در این راهبرد مشارکت دارند.

اگر پول آقایی کند، باید فاتحه توسعه را خواند

شرق: روایات مختلفی از مرحوم میرمصطفی عالی‌نسب، مشاور اقتصادی نخست‌وزیر در زمان جنگ تحمیلی بر جای مانده است. در یکی از این روایات به نقل از او آمده: «اگر در ایران پول آقایی کند، باید فاتحه توسعه را خواند». هشداری که به آن، چنان بی‌توجهی شد که اکنون تجارت پول در اقتصاد ایران حرف اول را می‌زند و شیرینی فعالیت‌های غیرمولد، تولید را به حاشیه رانده است. شاید بتوان گفت تنها در دوران جنگ بود که اقتصاد ایران توانست بر محور تولید قرار گیرد. امری که نه قبل و نه پس از آن در اقتصاد کشور مشاهده نشد و مشخص نیست مرحوم عالی‌نسب به سبب اقداماتش چگونه از سوی گروه‌های منفعت‌طلب و رانت‌جو تهدید می‌شد. می‌گویند مرحوم عالی‌نسب همواره می‌گفت: «احساس من این است و احساس شما هم این باشد که وقتی وارد ساختمان نخست‌وزیری می‌شوید، فکر کنید وارد دریای خون شدید. می‌گفت باید با همان احساسی که سربازان وطن در خط مقدم می‌جنگند، از حريم اقتصاد ملی دفاع کنید و آماده شهیدشدن هم باشید، اما با وجود این، او هیچ‌گاه مکتوبی از خود بر جای نگذاشته و شناختش به‌جز از زبان کسانی که با او بوده‌اند، میسر نیست. حالا یازدهمین سالگرد درگذشت عالی‌نسب، بهانه‌ای شد برای گردهمایی برخی از اندیشمندان در مؤسسه دین و اقتصاد تا قدری درباره اندیشه و عمل مشاور اقتصادی دولت جنگ بگویند. در ادامه بخشی از سخنرانی فرهاد مؤمنی، محمدحسین فاضل‌زرنزی، علی رضائلی و احمد توکلی را می‌خوانید.

تولید باید شیرین‌تر از فعالیت‌های غیرمولد باشد فرهاد مؤمنی، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

در ادبیات توسعه به وفور می‌توان بحث‌هایی پیدا کرد با این‌ مضمون که در دوران گذار از شرایط توسعه‌نیافتگی، جایگاه و منزلت افراد بسیار مهم‌تر از ساختار نهادی می‌شود؛ به خصوص برای کشور ما که از دوره ۱۳۵۷ به بعد با یک دگرگونی بنیادی در نظم اجتماعی هم روبه‌رو بوده، این مسئله بسیار سرنوشت‌سازتر است. افرادی که گذار از توسعه‌نیافتگی به توسعه را طراحی و برای تحقق این هدف از جان و مال خود مایه می‌گذارند، به این نیت این کار را انجام می‌دهند که در دوران حیات خود بسترى برای برقراری یک نظم اجتماعی، فراهم کنند.

در حکومت پهلوی، ابعاد هزینه‌هایی‌که یک جامعه در چارچوب یک نظم قائم به شخص متمثل می‌شد را درک کردیم، چهره‌هایی مانند شهید بهشتی و مرحوم عالی‌نسب تلاش می‌کردند در چارچوب جایگزینی نظم پیشین با نظم جدید، اصول و مبانی این نظم غیرقائم به شخص را که از دل آن توسعه به دست می‌آید، تمهید کنند. نظمی است که در آن علم، قانون و برنامه نقش تعیین‌کننده را در فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع ایفا می‌کند، امور خود را پیش‌بینی‌پذیر کرده و در این شرایط امکان اثباتش ثمربخش سرمایه‌های انسانی و مادی را فراهم می‌آورد. از این زاویه می‌توان مرحوم عالی‌نسب را در زمره پیشگامان گذار ایران از نظم قائم به شخص به نظم غیرقائم به شخص درنظر گرفت. او تسلیم نظر کارشناسی بود و هر چه از دیگران انتظار داشت، ابتدا در رفتارهای روزمره خود نهادی کرده بود.

بحث بر سر این است که در دوره گذار، افرادی به‌عنوان ملتهای اعلای علم، قانون و برنامه‌محوری مطرح می‌شوند، سکان اداره امور کشور را به دست می‌گیرند و به‌تدریج کمک می‌کنند عادت‌های ضدتوسعه‌ای ریشه‌دار شده، جای خود را به قاعده‌ها و نهادهای جدیدی بدهند که امکان برپایی یک نظم غیرقائم به شخص را فراهم می‌کنند. همه کسانی که با مرحوم عالی‌نسب معاشرت داشتند، شعارهای محوری او را به خاطر دارند؛ همیشه این مسئله را گوشزد می‌کرد؛ اگر ایران بخواهد بقا و اعتلا پیدا کند، باید تولید، شیرین‌تر از فعالیت‌های غیرمولد باشد. امروز در چارچوب پیشرفت‌های نظری اعتنایپذیری که انجام شده، این مسئله را این‌گونه صورت‌بندی می‌کنند که اگر کشوری بخواهد تولید توسعه پیدا کند، باید ساختار نهادی آن به سمتی حرکت کند که در آن جامعه، هزینه فرصت مفت‌خواری بالا رفته باشد. تا زمانی که افراد از طریق درآمدهای رانتی و بی‌نیاز به صلاحیت‌های علمی و فنی، می‌توانند درآمدهای هنگفت و بدون ریسک و زحمت به دست بیاورند، کسی سراغ تولید نخواهد رفت. ما شاهد بودیم اسفید از جان مایه می‌گذاشت و در برابر منافع کسانی که می‌خواستند بدون صلاحیت داشتن کسب درآمدهای سرشار کنند می‌ایستاد و در این مسیر از حقوق عمومی و ارتقای حقوق تولیدی دفاع می‌کرد و همه بحث او این بود اگر قرار باشد در ایران توسعه‌ای اتفاق بیفتد، باید تولید شیرین‌تر از فعالیت غیرمولد باشد. در این چارچوب، او به‌عنوان عضو شورای پول و اعتبار، عضو شورای اقتصاد و به‌عنوان مشاور نخست‌وزیر و مشاور رئیس‌جمهور وقت، با یک دقت و حساسیت مثال‌زدنی، نقش دیده‌بان را ایفا می‌کرد و از دستیاران، دوستان و همفکران خود هم کمک می‌گرفت تا این دیده‌بانی به نحو شایسته‌ای انجام شود. بسیاری آن‌روز نمی‌فهمیدند عالی‌نسب چه می‌کند و چه می‌گوید؛ اما امروز در چارچوب آمار و اطلاعات رسمی انتشار یافته، آنچه می‌بینیم این است که کارنامه‌ای که از دوران ۱۰ ساله حضور مؤثر مرحوم عالی‌نسب در سطح قاعده‌گذاری‌های کلان اقتصاد ملی مشاهده شده، کارنامه‌ای است که در یک شرایط متلاطم و جنگ اتفاق افتاده و نسبت به دورانی که

چنین شرایطی وجود نداشته است، کاملاً دفاع‌پذیر و افتخارآمیز است. وقتی درباره یک دستاورد جمعی صحبت می‌کنیم، قصد نداریم درباره نقش یک فرد غلو کنیم؛ بلکه واقعیت این است کارنامه ۱۰ ساله اول دوران انقلاب، محصول یک جانشناسی بی‌سابقه ملی و همدلی بی‌سابقه میان دولت و ملت بود. سطح پاکدامنی اقتصادی در آن دوره هرگز در گذشته و آینده ایران تکرار نشده است. طبیعتاً در شرایطی که نظم نوین استقرار پیدا نکرده و نهادهای نظم جدید ریشه‌دار نشده‌اند، نقش افراد بسیار تعیین‌کننده است. کسی نمی‌تواند انکار کند آهنگ حرکت جامعه ایران به سمت توسعه پس از شهادت شهید بهشتی با کندی کاملاً محسوس روبه‌رو شد برای اینکه در دوره گذار، بار نهادهای را افراد بزرگ و تاریخ‌ساز بر دوش می‌کشد و در حیطه اقتصادی هم مرحوم عالی‌نسب در آن دوره ۱۰ساله، چنین جایگاه و منزلتی را داشت و امروز نتایج را با مقایسه آن دوره با دوره‌های قبل و بعد از آن می‌بینیم.

در مقام آنچه مرحوم عالی‌نسب، شیرین‌کردن تولید می‌نامید، یکی از کانون‌های اصلی مانع‌تراشی بر سر راه توسعه ایران، سیطره غیرعادی رباخواران در اقتصاد کشور بود؛ مثلاً در خطرات پولاک از دوره قاجار، نرخ بهره در بازار نزول‌خواری بالای ۳۰ درصد می‌دهند که در دوران حیات خود بسترى برای برقراری ایران نمی‌تواند توسعه پیدا کند. در کتاب «تأمین مالی صنعتی در ایران» نیز که به‌زودی ترجمه آن منتشر می‌شود، نویسنده کتاب براساس مشاهدات سه‌ساله، نوشته تا زمانی که سفته‌بازی روی پول و سوداگری روی مستقلات، درآمدهای سرشار و بدون زحمت و ریسک دارد، تولید در ایران ریشه‌دار نخواهد شد و در این کشور توسعه صنعتی اتفاق نخواهد افتاد. این کتاب مربوط به وضعیت ایران در نزدیک به صد سال پس از پولاا است؛ یعنی وقتی گروه مشاوران هاروارد در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ به ایران می‌آیند تا برای برنامه سوم توسعه مشاوره کارشناسی به حکومت پهلوی بدهند.

اگر پول آقایی کند، باید فاتحه توسعه را خواند

اگر ایران توانست جنگ را آنچنان با افتخار سپری کند که دنیا از استقامتش انگشت به دهان بماند، وجه بنیادی آن، ایفای نقش دیده‌بانی توسعه‌گرا در عالی‌ترین شکل تصور، از سوی مرحوم عالی‌نسب بود؛ او می‌گفت جنگ در ایران پول آقایی کند، باید فاتحه توسعه را خواند. در این دوره با همت مرحوم عالی‌نسب و همراهی هیأت حاکمه وقت، هزینه ۵۴ درصد از کل نقدینگی موجود، برای اقتصاد ایران غیرقائم به شخص بود؛ یعنی در آن دوره اقتصاد ایران به معنای دقیق کلمه یکی از غیررئوی‌ترین دوران تاریخ اقتصادی کشور را تجربه کرده است و خدا می‌داند مرحوم عالی‌نسب چگونه از سوی گروه‌های منفعت‌طلب و رانت‌جو تهدید می‌شد. همیشه می‌گفت احساس من این است و احساس شما هم این باشد که وقتی وارد ساختمان نخست‌وزیری می‌شوید، فکر کنید وارد دریای خون شدید. کسی باید با همان احساسی که سربازان وطن در خط مقدم می‌جنگند، از حريم اقتصاد ملی دفاع کنید و آماده شهیدشدن هم باشید. با آن احساس، مدیریت پولی کشور این‌گونه سامان پیدا کرده بود. برای مقایسه شرایط آن دوران با روزگار فعلی، بد نیست بدانید در سال ۹۴ حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان با عنوان سود پول در اقتصاد ایران دایره شده است. این مبلغ معادل ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۹۴، یعنی هم‌تراز با سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی، معادل ۱۹ درصد کل نقدینگی و معادل دستمزد ۱۱میلیون نفر نیروی کار کشور است. با این اتفاقات است که اقتصاد توان رقابت و مقاومت خود را از دست می‌دهد و دانایی‌محوری به آن راه نمی‌یابد و عدالت اجتماعی هم به یک افسانه تبدیل می‌شود. همه آن آرمان‌ها در سایه یک ساختار نهادی مشوق تولید، امکان دستیابی دارند؛ درحالی‌که اگر ساختار نهادی، مشوق رانت و فساد و ربا باشد به جای رونق بنگاه‌های تولیدی، فعالیت‌های مافیایی و شبه‌مافیایی رونق پیدا می‌کند. به همین دلیل است که حدود یک ماه پیش یک مقام

اقتصاد

مرحوم «عالی‌نسب» در قاب خاطرات راویان

اگر پول آقایی کند، باید فاتحه توسعه را خواند



چنین شرایطی وجود نداشته است، کاملاً دفاع‌پذیر و افتخارآمیز است. وقتی درباره یک دستاورد جمعی صحبت می‌کنیم، قصد نداریم درباره نقش یک فرد غلو کنیم؛ بلکه واقعیت این است کارنامه ۱۰ ساله اول دوران انقلاب، محصول یک جانشناسی بی‌سابقه ملی و همدلی بی‌سابقه میان دولت و ملت بود. سطح پاکدامنی اقتصادی در آن دوره هرگز در گذشته و آینده ایران تکرار نشده است. طبیعتاً در شرایطی که نظم نوین استقرار پیدا نکرده و نهادهای نظم جدید ریشه‌دار نشده‌اند، نقش افراد بسیار تعیین‌کننده است. کسی نمی‌تواند انکار کند آهنگ حرکت جامعه ایران به سمت توسعه پس از شهادت شهید بهشتی با کندی کاملاً محسوس روبه‌رو شد برای اینکه در دوره گذار، بار نهادهای را افراد بزرگ و تاریخ‌ساز بر دوش می‌کشد و در حیطه اقتصادی هم مرحوم عالی‌نسب در آن دوره ۱۰ساله، چنین جایگاه و منزلتی را داشت و امروز نتایج را با مقایسه آن دوره با دوره‌های قبل و بعد از آن می‌بینیم.

در مقام آنچه مرحوم عالی‌نسب، شیرین‌کردن تولید می‌نامید، یکی از کانون‌های اصلی مانع‌تراشی بر سر راه توسعه ایران، سیطره غیرعادی رباخواران در اقتصاد کشور بود؛ مثلاً در خطرات پولاک از دوره قاجار، نرخ بهره در بازار نزول‌خواری بالای ۳۰ درصد می‌دهند که در دوران حیات خود بسترى برای برقراری ایران نمی‌تواند توسعه پیدا کند. در کتاب «تأمین مالی صنعتی در ایران» نیز که به‌زودی ترجمه آن منتشر می‌شود، نویسنده کتاب براساس مشاهدات سه‌ساله، نوشته تا زمانی که سفته‌بازی روی پول و سوداگری روی مستقلات، درآمدهای سرشار و بدون زحمت و ریسک دارد، تولید در ایران ریشه‌دار نخواهد شد و در این کشور توسعه صنعتی اتفاق نخواهد افتاد. این کتاب مربوط به وضعیت ایران در نزدیک به صد سال پس از پولاا است؛ یعنی وقتی گروه مشاوران هاروارد در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ به ایران می‌آیند تا برای برنامه سوم توسعه مشاوره کارشناسی به حکومت پهلوی بدهند.

اگر پول آقایی کند، باید فاتحه توسعه را خواند

اگر ایران توانست جنگ را آنچنان با افتخار سپری کند که دنیا از استقامتش انگشت به دهان بماند، وجه بنیادی آن، ایفای نقش دیده‌بانی توسعه‌گرا در عالی‌ترین شکل تصور، از سوی مرحوم عالی‌نسب بود؛ او می‌گفت جنگ در ایران پول آقایی کند، باید فاتحه توسعه را خواند. در این دوره با همت مرحوم عالی‌نسب و همراهی هیأت حاکمه وقت، هزینه ۵۴ درصد از کل نقدینگی موجود، برای اقتصاد ایران غیرقائم به شخص بود؛ یعنی در آن دوره اقتصاد ایران به معنای دقیق کلمه یکی از غیررئوی‌ترین دوران تاریخ اقتصادی کشور را تجربه کرده است و خدا می‌داند مرحوم عالی‌نسب چگونه از سوی گروه‌های منفعت‌طلب و رانت‌جو تهدید می‌شد. همیشه می‌گفت احساس من این است و احساس شما هم این باشد که وقتی وارد ساختمان نخست‌وزیری می‌شوید، فکر کنید وارد دریای خون شدید. کسی باید با همان احساسی که سربازان وطن در خط مقدم می‌جنگند، از حريم اقتصاد ملی دفاع کنید و آماده شهیدشدن هم باشید. با آن احساس، مدیریت پولی کشور این‌گونه سامان پیدا کرده بود. برای مقایسه شرایط آن دوران با روزگار فعلی، بد نیست بدانید در سال ۹۴ حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان با عنوان سود پول در اقتصاد ایران دایره شده است. این مبلغ معادل ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۹۴، یعنی هم‌تراز با سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی، معادل ۱۹ درصد کل نقدینگی و معادل دستمزد ۱۱میلیون نفر نیروی کار کشور است. با این اتفاقات است که اقتصاد توان رقابت و مقاومت خود را از دست می‌دهد و دانایی‌محوری به آن راه نمی‌یابد و عدالت اجتماعی هم به یک افسانه تبدیل می‌شود. همه آن آرمان‌ها در سایه یک ساختار نهادی مشوق تولید، امکان دستیابی دارند؛ درحالی‌که اگر ساختار نهادی، مشوق رانت و فساد و ربا باشد به جای رونق بنگاه‌های تولیدی، فعالیت‌های مافیایی و شبه‌مافیایی رونق پیدا می‌کند. به همین دلیل است که حدود یک ماه پیش یک مقام

مسئول در قوه قضائیه می‌گوید زندان‌های ایران سه برابر ظرفیت استفاده می‌شود و چند روز بعد یک مقام اقتصادی می‌گوید بنگاه‌های تولیدی کشور با یک‌سوم ظرفیت کار می‌کنند. در مقایسه فعالیت‌های سوداگری در مستقلات، در دوره ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۲ اندازه کلی CPI (تورم) ۳۷ برابر و قیمت اجاره‌بها در تهران ۶۱ برابر، یعنی ۱۰٫۷ برابر تورم شده است. در این دوره، قیمت مسکن در تهران ۷۶ برابر، یعنی حدود ۲۰۲ برابر تورم و قیمت زمین در همین دوره ۱۰۷ برابر، یعنی نزدیک ۲٫۹ برابر تورم شده است؛ یعنی در این دوره، درحالی‌که تولیدکنندگان بی‌سابقه‌ترین فشارها را متحمل شده‌اند، تصورناپذیرترین برخورداری‌ها نصیب آنهایی شده که به سوداگری روی مستقلات و تجارت پول، مشغول بوده‌اند. در این شرایط، کسی به تولید توجه نمی‌کند و این چیزی بود که مرحوم عالی‌نسب در خشت خام اقتصاد ایران می‌دید و تلاش می‌کرد این مناسبات به اقتصاد ایران برگردد. مناسبات پس از انقلاب، مناسبات جهاد سازندگی بود؛ برای همین در ۱۰ سال اول پیروزی انقلاب اسلامی، زیرساخت‌های فیزیکی که برای توسعه روستایی کشور با کمترین هزینه و با محور عدالت‌خواهی ایجاد شد، ۱۱۰۵ برابر چیزی است که از حکومت پهلوی تحویل گرفته شده بود.

عالی‌نسب یک استراتژیست جهانی بود

محمدحسین فاضل‌زرنزی، استاد دانشگاه پلی تکنیک عالی‌نسب یکی از پدیده‌های نادر تاریخ معاصر ایران است. البته من نقدی هم به آن مرحوم دارم که چرا هیچ‌یک از افکار خود را مکتوب نمی‌کرد. من بارها این گالیه را به او داشتم؛ اما هیچ‌وقت زیر بار نمی‌رفت. عالی‌نسب، در وجهه شخصی زندگی خود فعالیت‌هایی در صنعت داشت. او جزء اولین کسانی بود که صنعت مدرن را در قالب کارخانه‌های کارتن‌سازی و نفت و گاز اجرا کرد، اما وجهه دیگر عالی‌نسب ابعاد اجتماعی او است که بحث ما هم بیشتر به همین مربوط می‌شود. او عضو شورای ۵ نفره مشاوران اقتصادی دکتر مصدق و همچنین یکی از مشاوران اقتصادی آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله میلانی و علامه جعفری بود. مرحوم عالی‌نسب یکی از بانان عمده مدارس اسلامی قبل از انقلاب و یکی از پشتیبانان اصلی روحانیت پیشرو، ازجمله بهشتی، مطهری و طالقانی و روشنفکران دینی مانند محمدرضا حکیمی و دکتر شریعتی محسوب می‌شد. او بعد از انقلاب مشاور اقتصادی دولت‌های شوروی و انقلاب، شهید رجایی، مرحوم مهدوی‌کنی، شهید باهنر و محرمین موسوی بود. همچنین عضویت در شورای اقتصاد، شورای پول و اعتبار، شورای عالی کشاورزی و شورای صادرات غیرنفتی در زمان جنگ را داشت. بارها مهندس موسوی گفت «اگر عالی‌نسب و افکار او نبود، اقتصاد ایران در زمان جنگ می‌شکست». او در ساخت بیمارستان و مدرسه همچنین در کمک به مطبوعات بسیار فعالیت می‌کرد؛ مثلاً یکی از بانان ایجاد نشریه گل‌آقا بود.

همین مؤسسه دین و اقتصاد هم یکی دیگر از کارهای اوست که به یادگار مانده است. زمانی که در کانادا بودم، با آندره گوند فرانک، یکی از نظریه‌پردازان مارکسیست، ملاقات داشتم. او تاریخ اغلب انقلاب‌ها را بررسی کرده بود. درباره انقلاب ایران هم گفت. برای آندره مسئله این بود که کدام استراتژیست پشت این انقلاب بوده است؛ اما من مرحوم عالی‌نسب هماهنگ کردم برای دیدار با آندره و دعوت او به ایران، اما متأسفانه این دیدار به عمر هیچ‌کدام میسر نشد. عالی‌نسب تحصیل‌کرده و مسلط بر تئوری‌های اقتصادی بود و در حسابداری و بازرگانی درجه داشت؛ اما براساس دیدی که آندره به من داد، عالی‌نسب یک استراتژیست بود؛ دغدغه اصلی او دغدغه درازمدت جامعه بود. می‌گفت ما به دنبال یک ایران پیشرفته، توسعه‌یافته و ثروتمند هستیم. می‌گفت فقر و کسبکی سرنوشت ما نیست و دنبال این بود که ایران در دراز مدت یک کشور توسعه‌یافته و شاخص باشد. او وضعیت حال جامعه را فراموش نمی‌کرد. من گفتم من جنگ جهانی دوم را دیده‌ام. نباید مردم

برای دارو و نان مشکل داشته باشند. به قول او نیازهای اساسی تک‌تک مردم باید در زمان جنگ فراهم باشد تا بفهمند که این نظام دنیال منافع مردم است؛ گرچه او به فکر حال مردم و حفظ آرامش آنها بود، اما آینده را نیز فراموش نمی‌کرد. با تأکید عالی‌نسب، اکثر مطالعات صنعتی که بعدها اجرایی شد، در زمان دولت جنگ در دستورکار قرار گرفت. بعد از عالی‌نسب همه دولت‌های ما فاقد استراتژیست بودند؛ وگرنه نباید این شرایط به وجود می‌آمد. عالی‌نسب فراتر از هر چیز یک استراتژیست بزرگ جهانی بود. او در مقابل برخی از افکاری که آن زمان به نظر ما درست می‌آمد؛ اما اشتباه بود، می‌ایستاد؛ مثلاً زمانی در کشور شایعه شد کشاورزی محور توسعه است. یک روز مرا خواست و گفت آقای فاضلی این حرف «کشاورزی محور توسعه» بسیار غلط است. آن زمان درباره مسائل کشاورزی جو سنگینی وجود داشت. عالی‌نسب گفت دوران اقتصاد گناه گذشته است. شما می‌توان بگویی کشاورزی مهم

است و می‌خواهیم در برخی محصولات به خودکفایی برسیم؛ اما محور توسعه، تکنولوژی و انسان دانشمند است و اگر روی اینها سرمایه‌گذاری کنیم، به توسعه می‌رسیم.

حل مشکل اقتصاد با در نظر گرفتن همه چیز

علی رضائلی، پژوهشگر تاریخ و جامعه‌شناس اقتصادی من درباره مرحوم عالی‌نسب دو مقاله با عناوین «نمک زندگی» و «مردی پُرپهلو» نوشته‌ام و حرف جدیدی برای مراسم یازدهمین سالگرد درگذشت او ندارم؛ اما می‌خواهم کوتاه بگویم که اقتصاد ایران و دولت‌هایی که این اقتصاد را مدیریت کرده‌اند و دولت‌هایی که پشت و پناهی پنداری بوده‌اند و اینکه برای سامان‌کردن این اقتصاد، تمرکزی روی زمینه نهادی و غیراقتصادی ایران باید انجام شود و اگر این کار نشود، بعید است اقتصاد ایران به‌سامان شود.

در برخی دوره‌ها شاخص‌های اقتصادی بهتر شده و کشور بهتر اداره شده است؛ مثلاً در دوره جنگ وضع بهتر بود؛ کشور با حضور مشکل‌نا مان مالی‌نسب بهتر اداره شده است؛ اما حالا از کجا کسی مانند عالی‌نسب پیدا کنیم و از کجا معلوم که سیستم او را بپذیرد و اجازه دهد سیاست‌های خود را اجرا کند.

همه دولت‌هایی که در تاریخ تشکیل می‌شده‌اند، دست‌مزد وظایفی داشته‌اند. اینکه خوشون را کنترل کنند، امنیت مهیا کرده و قانونی ارائه دهند که تحت آن قانون، افراد به آسایش و آرامشی برسند و تولید کنند تا کمیابی‌ها تأمین شود و بعد در سایه اینها، رفاه بیشتری داشته باشند. تأمین حقوق مالکیت برای دارایی‌های افراد نیز باید در این فرایند تثبیت شود تا افراد در ذیل آن صاحب انگیزه شوند و کارشان را انجام دهند. یک عنصر اصلی مشکل تاریخی ایران، نبود قانون یا اجرا‌کردن آن با اجرای نیمه‌کاره آن بوده که همراه با هزینه سنگین برای حقوق مالکیت بوده است. اقتصاد چیزی نیست که با شاخص‌های پولی مشکلس حل شود. نمی‌گویم شاخص‌های پولی و برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد بی‌اهمیت است؛ اما اینها در یک فضای مجرد نمی‌توانند مشکلی را حل کند. اگر قرار است مشکلات یک اقتصاد حل شود، باید با درنظرگرفتن خود کشور، قدرت‌های چانه‌زنی و مافیای موجود در آن، نهادهای و تمام دستگاه‌هایی که می‌توانند مانع حرکت آن شوند یا به حرکت آن کمک کنند، بررسی و به حل مشکلات آن پرداخته شود.

فساد، جمهوری اسلامی را می‌اندازد

احمد توکلی، اقتصاددان من از مرحوم عالی‌نسب سه نکته ذکر می‌کنم. اول حساسیت او نسبت به استقلال ایران بود. خاطراتی از نوجوانی خود می‌گفت که دست‌فروشی می‌کرد. از درست‌شدن بانک‌ها می‌گفت که واسطه جلوگیری از سرانجام‌گذاری درست شده بودند. او یک‌بار به مسئول مهندس موسوی می‌گفت «آقای موسوی به فکر مرغ نباش، مرغ مثل عروس است و جهیزیه می‌خواهد، مرغی و مخلفات می‌خواهد. دو سیر گوشت به مردم فقیر بدهید آنگوشت درست می‌کنند و آن ۱۰ نفر را سیر می‌کنند». روی این مسئله حساس بود که آنچه به مردم می‌دهند، به کارشان بیاید. دینداری عالی‌نسب هم همه‌جانبه بود؛ اواخر زندگی، روزی خدمتشان رسیدم. کتابی درباره حقوق حیوانات در اسلام به من هدیه داد که مجموعه فرمایشات علامه جعفری را جمع‌آوری و با هزینه شخصی چاپ کرده بود. او از جزئیات و همه ابعاد مسئله دفاع می‌کرد.

می‌خواهم چند جمله هم درباره فساد صحبت کنم که متأسفانه در کشور نهادهی شده و به‌صورت سیستماتیک درآمد است. سیستماتیک یعنی فساد به مرحله‌ای می‌رسد که دستگاه‌های مسئول مبارزه با فساد، خودشان آلودگی پیدا می‌کنند و کار بسیار مشکل می‌شود. یکی از راه‌هایی که می‌تواند این مشکل را کم کند، تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد بود که ما هم با کمک، تشویق و حمایت دوستان و دلسوزان، نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت را تأسیس کرده‌ایم. فساد نهادهی است که همه نهادهای را آلوده می‌کند و استقلال را به خطر می‌اندازد. دینداری را بی‌آبرو می‌کند و دین را از محتوا و حیثیت می‌اندازد. مردم را نادیده می‌گیرد و له می‌کند. من گفته‌ام جمهوری اسلامی را آلوده، حمله نظامی و انقلاب مخملی نمی‌اندازد؛ اما فساد می‌اندازد. الگویی را که به‌تازگی برای قرارداد نفتی مطرح شده است، ملاحظه کنید؛ چیز خطرناکی است. خطر اینکه بسیاری چیزها را به هم بریزد وجود دارد؛ کمک کنید که دولتمردان توجه پیدا کنند و این خطر از کشور دور شود.

یادداشت

حقوق ومزایا در سازمان های عمومی ودولتی

مراد احمدی پور . نسیم بهنود

● فیش های حقوقی مدیران و برخی کارکنان بخش دولتی این روزها نقل محافل شده‌اند؛ چه آنهایی که با فیش های حقوقی چندصدمیلیونی همه را شگفت‌زده کرده‌اند و چه آنهایی که از روی استیصال و یا حتی اعتراض، فیش های هفت‌رقمی (به ریال) خود را در معرض دید عموم گذاشته‌اند. حساسیت عمومی به میزان پرداختی شاکلان در سمت‌های مدیریتی بخش عمومی چندان نابجا نیست. عامه مردم انتظار دارند دولتمردان (با دربرگیری کسانی که اداره سازمان‌های عمومی را برعهده دارند) از ثروتی که به امانت در اختیارشان قرار داده شده است، استفاده بهینه کنند. مدیریت دولتی نیز در سیر تحول خود از برعهده‌گرفتن نقش پاروزن تا نقش فرمانده و هدایت‌کننده و اخیراً نیز در نقش و جایگاه همراه و راهنما در رویکرد ارائه‌دهنده خدمات عمومی (New Public Service) با

همین چشم‌انداز فعالیت می‌کند. به‌همین‌رتبه، این انتظار وجود دارد که تخصیص منابع در جنبه‌های مختلف فعالیت، از نحوه برآورد بودجه پروژه‌های ملی و پایش هزینه‌کرد این بودجه از سوی پیمانکاران و هزینه‌هایی که بابت خرید از سوی مجموعه دولت پرداخت می‌شود تا بودجه‌های جاری که عمده آن را پرداختی مستقیم و غیرمستقیم به اعضا و مجریان این مجموعه تشکیل می‌دهد، به‌درستی انجام پذیرد. تا اینجای بحث، تقریباً همه هم‌نظر هستند. مشکل در تعریف «تناسب» و «درستی» و «چگونگی اجرا» است. به قولی، شیطان در جزئیات است.

بسته جبران خدمت

سیستم‌های نوین جبران خدمت علاوه بر پرداختی‌های مستقیم، هرگونه هزینه‌کرد غیرمستقیم نظیر امکانات و امتیازات رفاهی تخصیص‌داده‌شده و حتی فرصت‌های رشد و پیشرفت و این قبیل مزایا را نیز در محاسبات در نظر می‌گیرند. نکته مهم، تعیین میزان استحقاق هر فرد در این بسته مزایا است؛ هرچند یکی از شایستگی‌های اساسی برای قبول سمت‌های بخش عمومی و حتی خدمت در این مجموعه‌ها ازخودگذشتگی و خیرخواهی برای دیگران (Selfless) است، میزان و نحوه جبران خدمات ارائه‌شده برای مدیران و کارکنان بخش‌های مرتبط با خدمات عمومی، مسئله‌ای فرارگیا به شمار می‌رود، هم از حیث انتظارات ایشان درباره دیده‌شدن و جبران خدماتی که انجام می‌دهند و هم از جنبه کلال و اثرات مستقیم و غیرمستقیم این هزینه‌ها بر بودجه عمومی و دیدگاه مردم درباره عدالت و انصاف و امانت‌داری دولتمردان.

عوامل و متغیرهای تعیین‌کننده سطح پرداخت

برای قضاوت منصفانه درباره درست‌بودن و صحت پرداخت‌ها به مدیران و کارکنان دولت و به‌طورکلی بخش عمومی، لازم است اطلاعاتی درباره عوامل اصلی تعیین‌کننده آن داشته باشیم. این عوامل را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: - عواملی که به شغل و مسئولیت‌های محوله مربوط می‌شوند و نشان‌دهنده سطح نتایجی است که انتظار می‌رود و توافق شده است که ابزار سنجش آن یکی از روش‌های پذیرفته‌شده ارزیابی شغل نظیر مرسر، هی، تاورزواتسون و... است. پس از انجام ارزیابی شغال، برای اطمینان از برقراریودن این تناسب، منحنی نشان‌دهنده ارتباط، نتیجه ارزیابی شغل و سطح پرداخت ترسیم می‌شود که دارای شیبی فزاینده است؛ به‌طوری‌که با پیچیده‌ترشدن شغل و افزایش سطح مسئولیت‌ها، لازم است سطح پرداختی به صورت فزاینده‌ای افزایش یابد. مطالعات بهینه‌کاوی و بررسی نمونه‌های موفق نشان داده است که این فرایندگی در مؤسسات خدمات عمومی، بسیار کمتر از بخش خصوصی است. به عبارت دیگر می‌توان انتظار داشت که تفاوت حقوق و دستمزد بین سطوح بالای سازمان و سطوح پایین در مؤسسات دولتی بسیار کمتر از مؤسسات خصوصی و غیرانتفاعی باشد.

- عواملی که به شغل بازمی‌گردد و نشان‌دهنده میزان برآورده‌شدن مسئولیت‌های محول‌شده یا همان انتظارات و توافقات است که به‌طور معمول از طریق سیستم‌های پایش و سنجش عملکرد و ارزیابی نتایج کسب‌شده در کنار میزان وفاداری به ارزش‌های پذیرفته‌شده سازمان و بجز از آنها در رفتارهای شغلی تعیین‌پذیر است.

- عوامل محیطی‌ای که به سطح تقاضا برای نیروی کار و تخصص و توانمندی‌های مدنظر و میزان عرضه و فراوانی عرضه آن در بازار کار بستگی دارد. طبیعی است که بسیاری از اصول عرضه و تقاضای شناخته‌شده در بازار بر این دسته از عوامل تأثیرگذار باشد. الزامات قانونی را نیز می‌توان جزء این گروه در نظر گرفت. اما تجربه گذار از نظام عمومی نوین (New Public Management) که اداره امور عمومی را مانند اداره بنگاه‌های اقتصادی می‌بیند، نشان داده است اتکای صرف بر قوانین بازار و اقتصاد در عرصه مدیریت امور عمومی، کافی و موفقیت‌آمیز نیست. براساس این شاغل و به‌همین‌دلیل حقوق و دستمزد مدیران قاعده‌ل بخش‌های عمومی و نیز حقوق و دستمزد مدیران بخش خصوصی و کسب‌وکارهای فعال اقتصاد، نمی‌تواند روش درستی برای تعیین سطح حقوق و دستمزد و مزایای ایشان باشد...

ادامه در صفحه ۱۸